

## پیشگفتار

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که به اختصار «گات» نامیده می‌شود، يك معاهده بین‌المللی است که با هدف گسترش تجارت بین کشورهای عضو به‌وجود آمده است. گات در واقع موافقتنامه‌ای چندجانبه در بازرگانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۷ به‌عنوان قانون تجارت و بازرگانی بین‌المللی، مبنای همکاری کشورهای عضو قرار گرفت. این موافقتنامه در ابتدا برای مدت زمان محدود تنظیم و قرار شد تا تشکیل «سازمان جهانی بازرگانی» به کار خود ادامه دهد.

تحولات اخیر در اقتصاد جهانی تأثیرپذیر از گفتگوهای است که در ۹ دور گفتگوی بین‌المللی مربوط به «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» بر جهان حاکم شده است. هشتمین دور این گفتگوها که به دورارو گوته مشهور است از سال ۱۹۸۶ آغاز و پس از گفتگوهای طولانی و فشرده در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش امضا شد. چکیده گفتگوهای دورارو گوته، تدوین موافقتنامه‌های جدید در زمینه فرآورده‌های کشاورزی، پارچه و پوشاک، حقوق مالکیت معنوی، خدمات و تأسیس سازمان جهانی بازرگانی (W.T.O) است که از سال ۱۹۹۵ آغاز به کار کرده است.

نکته‌ای که بایستی به آن توجه داشت این است که هر چند پیوندهایی بین GATT و WTO وجود دارد، ولی نمی‌توان از WTO به‌عنوان GATT سابق یاد کرد، چون تفاوت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی زیادی میان گات و سازمان جهانی بازرگانی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

در علم اقتصاد، جهانی شدن (Global-ization) به‌معنای افزایش آزادی افراد و بنگاهها برای انجام دادوستد با افراد و بنگاههای سایر کشورها تعریف می‌شود. در این فرایند، بازارهای داخلی به روی عرضه‌کنندگان خارجی باز می‌شوند و عرضه‌کنندگان داخلی نیز به بازارهای

خارجی دسترسی پیدا می‌کنند. ویژگی کلیدی این فرایند عبارت است از اینکه موانع بر سر راه انجام دادوستد با افراد و بنگاههای فرامرزی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب هزینه انجام دادوستد با آنها با هزینه‌های مشابه در داخل کشور یکسان می‌شود.

دادوستدهای بین‌المللی را که به روند جهانی شدن کمک می‌کند، می‌توان در چهار گروه مهم مورد بررسی قرار داد:

- ۱- تجارت بین‌المللی شامل دادوستد کالا و خدمات با افراد و بنگاههای آن سوی مرز.
- ۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل تأسیس، راه‌اندازی و کنترل بنگاههای صنعتی یا تجاری يك کشور توسط افراد کشورهای دیگر.
- ۳- دادوستد مالی شامل سرمایه‌گذارهای برتفوی، وام‌دهی و استقراض.

- ۴- مهاجرت نیروی کار شامل عرضه خدمات نیروی کار در يك کشور توسط افرادی از کشورهای دیگر.

در این نوشتار پس از مروری کوتاه بر چگونگی تشکیل گات، گفتگوهای دورارو گوته از دیدگاه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

سیس تحلیل اقتصادی یارانه را بر صادرات بررسی خواهیم کرد. همچنین چگونگی ساختار سازمان جهانی بازرگانی و پیامدهای اقتصادی جهانی شدن از جمله مواردی است که به آن پرداخته می‌شود.

## اشاره تاریخی

نخستین بار در سال ۱۹۲۷ میلادی زیر نظر جامعه ملل، اجتماعی در ژنو تشکیل شد تا درباره توسعه تجارت که به سبب جنگ، آسیب فراوانی دیده بود، تبادل نظر شود. با توجه به فضای موجود بعد از جنگ، گفتگوهای ژنو، کاری از پیش نبرد و تنها اثر آن ایجاد فکر همکاری بود. آمریکا که در آن زمان با بحران اقتصادی روبرو بود، غلبه بر مشکلات تجارت جهانی و حذف یا تخفیف تعرفه‌ها را گریزی برای پایان دادن به بحران

## سازمان جهانی بازرگانی و نقش آن در جهانی شدن اقتصاد

نویسنده: دکتر رضا اکبریان  
عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

در سال ۱۹۳۲ میلادی کوردل هال (Cordell hall) طرح جدیدی را براساس حذف یا کاهش موانع بازرگانی جهان ارائه کرد که در سال ۱۹۳۴ به تصویب قانون موافقتنامه تجاری متقابل در کنگره آمریکا منتهی شد. براساس این قانون، رئیس جمهوری قادر بود به مدت ۲۵ سال حدود ۵۰ درصد عوارض گمرکی را به تدریج و با رعایت اصول دادوستد متقابل کاهش دهد، در نتیجه متوسط تعرفه‌ها از ۴۸ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافت.

با بروز جنگ دوم جهانی، بار دیگر تجارت جهانی به شدت ناامن و متزلزل شد که در پی آن آمریکا پرچمدار اصلاحات تجاری شد. کنفرانس برتن‌وودز که در سال ۱۹۴۴ و قبل از اینکه جنگ پایان یابد با شرکت ۴۴ کشور جهان برگزار شد، دو سازمان جهانی یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه را به وجود آورد.

در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷، تعداد ۲۳ کشور در کنفرانس هارانا موافقتنامه‌ای را تصویب کردند که به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا (General Agreement on Tarrif and Trade) مشهور است. یکی از خواسته‌های مهم مطرح شده در این سند، تأسیس یک سازمان جهانی برای نظم بخشیدن به تجارت بین‌المللی بود. همچنین به ۴۸ سال زمان نیاز بود تا این خواسته که در واقع تبلور ادعای حاکمیت جهانشمول اندیشه لیبرالیسم اقتصادی و (Free Trade) - libre - echange بود، تحقق یابد. در این مدت، نظام اقتصادی جهان دستخوش دگرگونیهای بزرگی شد. ظهور قدرت ژاپن پس از جنگ دوم جهانی و تبدیل شدن چند کشور جهان سوم در آسیا به عنوان کشورهای تازه صنعتی شده، مهمترین پدیده‌ها در روند تغییرات اقتصاد جهانی در این فاصله بوده است.

### گفتگوهای دور اروگوئه

از سال ۱۹۴۷ میلادی به دنبال پایان یافتن

جنگ دوم جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه‌یافته، با مشکلاتی مواجه شدند که آنها را به فکر بازسازی کشورهای خود و استفاده از امکانات کشورهای دیگر انداخت. ابتدا ۲۳ کشور در نشست‌هایی در ژنو، هسته اولیه گات (GATT) را تشکیل دادند.

تاکنون ۹ دور از جلسه‌های مربوط به گات تشکیل شده است که گفتگوهای هشتمین دور، معروف به دور اروگوئه از سال ۱۹۸۶ آغاز و پس از گفتگوهای طولانی و فشرده در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش امضا شد.

در این دور بود که سازمان جهانی بازرگانی شکل گرفت و به عنوان یک سازمان جهانی، عهده‌دار تجارت بین‌المللی شد. در این دور از گفتگوها علاوه بر تشکیل سازمان جهانی بازرگانی، چهار تصمیم دیگر نیز مورد موافقت اعضا قرار گرفت. این تصمیمها عبارت بود از:

● الف - بررسی چگونگی الحاق کشورها به سازمان جهانی بازرگانی؛

● ب - تشکیل کمیته‌ای برای تهیه برنامه کار سازمان؛

● ج - تشکیل کمیته محیط زیست و تجارت؛

● د - تشکیل کمیته‌ای برای بررسی

مشکلات مربوط به عملکرد بودجه سازمان.

گفتگوهای دور اروگوئه بر ۱۵ اصل به این شرح استوار بود:

\* ۱- تعرفه‌ها؛

\* ۲- موانع غیر تعرفه‌ای بر سر راه گسترش تجارت جهانی؛

\* ۳- محصولات کشاورزی که دارای منشأ طبیعی

است و نهایتاً ثروتهای ملی محسوب می‌شود؛

\* ۴- محصولات گرمسیری؛

\* ۵- پارچه و پوشاک؛

\* ۶- محصولات کشاورزی؛

\* ۷- مقررات معروف به ضد دامپینگ؛

\* ۸- شرطهای فرار، مربوط به مواردی که

کشورها پیروی از مقررات GATT را عملاً

مخالف منافع ملی و قوانین خود ببینند؛

● ویژگی کلیدی فرایند جهانی شدن، کاهش موانع دادوستد با افراد و بنگاههای فرامرزی و یکسان شدن هزینه دادوستد با آنها با هزینه‌های مشابه در داخل کشور است.

تشویق تولید داخلی به کار گیرند. اما این برخورد با سیاست یارانه در سال ۱۹۹۵ میلادی مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در این سال ۳ تبصره به ماده ۱۶ اضافه شد. در شرایطی که اعمال یارانه اجتناب‌ناپذیر باشد، بنابر توصیه گات، پرداخت یارانه نباید منجر به افزایش غیرعادلانه سهم کشور در تجارت جهانی کالا شود.

در اجلاس توکیو (۱۹۷۳-۷۸)، آمریکا توانست موضوع یارانه را در دستور کار قرار دهد، و سرانجام تبصره‌هایی به موافقتنامه عمومی اضافه شد. براساس این تبصره‌ها اعمال یارانه، گذشته از اینکه نباید سبب افزایش غیرعادلانه سهم یک کشور در صادرات جهانی شود، همچنین نباید موجب جابجایی صادرکنندگان کالا در کشور ثالثی شود.

وانگهی در این تبصره‌ها سازوکارهایی نیز به منظور حل و فصل اختلافهای اعضا در زمینه وضع یارانه پیش‌بینی شد، اما با وجود گنجاندن تبصره‌ها در موافقتنامه، تنها یک چهارم اعضا تبصره‌های مربوط به یارانه را امضا کردند.

بنابراین اجرای آن از قدرت کافی در این دور از گفتگوها برخوردار نشد. گرچه تبصره‌های یارانه به همه اقلام تجاری مربوط می‌شود، اما اختلاف‌نظرها، بیشتر در زمینه کشاورزی است.

یکی از عواملی که به اختلاف در اعمال یارانه کشاورزی دامن زده، شرط سهم عادلانه بازار است. تجربه نشانگر آن است که معیار عملی که بتوان براساس آن شرط سهم عادلانه بازار را تعیین کرد، وجود ندارد. پس، این قاعده در عمل برای کشورهای عضو بی‌معنی بوده است. کوشش در انجام اصلاحات به منظور حل مسأله یارانه می‌تواند یا برای مشخص کردن سهم بازار یا برای از میان برداشتن آنها باشد.

معیارهایی که به‌عنوان نمونه برای مشخص کردن سهم بازار می‌توان در نظر گرفت عبارتند از: میزان صادرات در سال قبیل یا متوسط صادرات در چند سال قبل و به‌عنوان

\* ۹- یارانه (سوسید) که اصولاً گات همیشه آنها را به‌عنوان یک نوع حمایت غیر معقول از تولیدات داخلی در برابر سیر آزاد مبادلات بین‌المللی تلقی کرده و به هر صورت، برقراری یارانه‌های نقدی را به کمک‌های غیر نقدی بویژه به صادرکنندگان، که آن را نوع معقولانه‌ای از دامپینگ تلقی کرده، ترجیح داده است؛

\* ۱۰- حمایت از حقوق مالکیت معنوی؛  
\* ۱۱- سرمایه‌گذاریهای مرتبط با تجارت؛  
\* ۱۲- حل و فصل منازعات تجاری بین‌المللی؛  
\* ۱۳- تجارت خدمات؛  
\* ۱۴- تجدیدنظر در برخی از اصول و مقررات گات؛

\* ۱۵- ارزیابی عملکرد سیستم گات. سرانجام در سال ۱۹۹۱ میلادی قرار شد که این موضوعهای ۱۵ گانه به ۷ موضوع محدود و برای هر یک کمیته اختصاصی تشکیل شود، که همین، اساس توافق نهایی را فراهم کرد.

این ۷ موضوع عبارت است از:  
\* ۱- دسترسی به بازارها؛  
\* ۲- پارچه و پوشاک؛  
\* ۳- کشاورزی؛  
\* ۴- مقررات و سرمایه‌گذاریهای مربوط به امور تجاری؛

\* ۵- حقوق مالکیت معنوی مربوط به تجارت؛

\* ۶- نهادها؛  
\* ۷- خدمات وابسته به بازرگانی.

### تحلیل اقتصادی یارانه بر صادرات

در مورد یارانه بایستی توجه داشت که این موضوع از زمان تأسیس گات تاکنون تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. در ابتدا براساس موافقتنامه گات، اعضا موظف بودند که قبل از برقراری یارانه، دیگر اعضا را در جریان اعمال سیاست مربوطه قرار دهند. در آغاز هیچ تصمیمی برای حذف یارانه وجود نداشت. دولت‌ها می‌توانستند یارانه را به منظور تشویق صادرات یا

● پس از جنگ جهانی دوم، نظام اقتصادی جهان با ظهور قدرت ژاپن و تبدیل چند کشور جهان سوم در آسیا به عنوان کشورهای تازه صنعتی، با دگرگونی بزرگی روبرو شد.

به جای به کارگیری معیارها و مقررات تازه برای تعیین سهمیه بازار که ناشی از وضع یارانه است، می توان به عنوان يك سیاست مشخص، همه کشورهای را از وضع یارانه منع کرد.

به طور کلی سیاست یارانه بر صادرات، زمانی اعمال می شود که کشورهای صادرکننده در بازارهای جهانی دارای مزیت نسبی نباشند و در نتیجه با پرداخت یارانه، صادرکنندگان را یاری می دهند. به این ترتیب در واقع، یارانه باعث کاهش قیمت بین المللی به سطحی کمتر از قیمت های داخلی کشور صادرکننده می شود و در نتیجه، رابطه مبادله را به سود کشورهای واردکننده تغییر می دهد. از این دیدگاه، اعمال سیاست یارانه بر صادرات توسط کشورهای صادرکننده، در واقع همانند اعمال تعرفه بر واردات توسط کشور واردکننده است. برای روشن تر شدن موضوع، چنانچه رابطه مبادله را برای کشور صادرکننده به صورت نسبت قیمت کالای صادراتی (PX) به نرخ کالای وارداتی (PM) در نظر بگیریم و نرخ یارانه برابر با (SX) باشد، رابطه مبادله با وضع یارانه به صورت زیر تغییر می کند:

$$\frac{PX(1-Sx)}{PM} < \frac{PX}{PM} \quad (۱)$$

این رابطه نشان می دهد که رابطه مبادله در نتیجه وضع یارانه به زیان کشورهای صادرکننده یا به سود کشورهای واردکننده تغییر کرده است.

این تغییر، به معنی بهتر شدن رابطه مبادله به سود کشور واردکننده است. توضیح آن که تعریف رابطه مبادله يك امر قراردادی است و می تواند به صورت  $\frac{PX}{PM}$  یا  $\frac{PM}{PX}$  تعریف شود، اما به هر صورتی که این رابطه برای کشوری در نظر گرفته شود، عکس آن برای کشور مقابل صادق خواهد بود. به این ترتیب به سادگی می توان نشان داد که تعرفه بر واردات توسط کشور واردکننده نیز همانند یارانه بر صادرات عمل خواهد کرد. چنانچه نرخ تعرفه بر واردات

این معیار، وضع را برای کشورهای که از یارانه استفاده نمی کنند، روشن تر می کند. چنانچه سهمیه های گذشته يك کشور قابل قبول نباشد، می توان براساس قراردادهای تازه، آنها را تعدیل کرد تا به کشورهای دیگر فرصت داده شود در بازارهای جهانی، حضور خود را تثبیت کنند.

اما به هر حال در نظر گرفتن سهمیه برای صادرکنندگان دارای ۲ مشکل اساسی است:

● ۱- براساس تجربه، کشورهای عضو لزوماً براساس سهمیه قراردادی عمل نکرده اند. به عنوان نمونه، توافقهایی که در مورد گندم، کاکائو و قهوه به عمل آمد با تغییر شرایط عرضه و تقاضا در کشورهای مورد نظر رعایت نشد. اما پایبندی به رعایت سهمیه ها، بیشتر در مواردی که تقاضای جهانی رو به رشد بوده دیده شده است، وقتی عرضه بیش از تقاضا بوده، رعایت سهمیه ها عملاً نقض شده است.

● ۲- استفاده از سهمیه به طور مشخص با دو اصل مهم گات در تضاد است:

\* الف) اصل نبودن تبعیض که کشورهای عضو را موظف به اعمال سیاست یکسان تجاری با کشورهای مقابل می کند.

\* ب) تأکید بر استفاده از سازوکار قیمتی به منظور مداخله در روابط تجاری.

روشن است که در نظر گرفتن سهمیه در شرایطی که امکان گسترش صادرات وجود نداشته باشد، تنها به سود آن کشورهای است که از سهمیه های قبلی استفاده می کنند و تولیدکنندگان جدید حتی اگر از کارایی لازم برخوردار باشند، نمی توانند در عرصه تجارت جهانی اظهار وجود کنند. البته تعیین سهمیه مشخص برای همه کشورهای عضو، کار چندان ساده ای نیست اما چنانچه عملی شود می تواند به جز در کشاورزی، در سایر زمینه ها نیز مطرح شود و در عمل این گونه قراردادهای معمولاً به توافقاتی دوجانبه یا چندجانبه در خارج از گات

● پس از پایان جنگ جهانی دوم ۲۳ کشور جهان برای استفاده از امکانات سایر کشورها، هسته اولیه «گات» را تشکیل دادند و سرانجام در سال ۱۹۹۴، سازمان جهانی بازرگانی تأسیس شد.

را (TM) و رابطه مبادله را با توجه به نکات فوق  $\frac{PM}{PX}$  در نظر بگیریم، آنگاه خواهیم داشت:

$$\frac{PM(1+TM)}{PX} > \frac{PM}{PX}$$

این تحلیل، تأثیر یارانه و تعرفه بر رابطه مبادله برای دو کشور را که طرف مبادلات تجاری است، نشان می‌دهد. اما بر اساس قضیه، «تقارن لرنر» می‌توان نشان داد که تأثیر تعرفه بر واردات، معادل تأثیر مالیات بر صادرات یک کشور و تأثیر یارانه بر صادرات معادل پرداخت یارانه بر واردات همان کشور خواهد بود. برای این منظور چنانچه  $P^A_X, P^A_M, P^W_X, P^W_M$  را به ترتیب نشانگر قیمت کالای صادراتی در کشور A، قیمت کالای وارداتی در همان کشور، قیمت جهانی کالای صادراتی و قیمت جهانی کالای وارداتی در نظر بگیریم و (SX) و (SM) نشانگر یارانه بر صادرات و میزان یارانه بر واردات باشند، آنگاه با توجه به تأثیری که یارانه به دنبال دارد و رابطه زیر را بین قیمت‌های یک کشور و قیمت‌های جهانی می‌توان در نظر گرفت:

$$\frac{P^A_X}{1+sx} = P^W_X, \quad P^A_M = P^W_M \quad (3)$$

$$P^A_M = \frac{P^W_M}{1+sm}, \quad P^A_X = P^W_X \quad (4)$$

رابطه شماره ۳ در واقع نشانگر این واقعیت است که در صورت پرداخت یارانه بر صادرات، قیمت‌های جهانی کمتر از قیمت‌های داخلی کشور صادرکننده می‌شود و رابطه شماره ۴ نشانگر این است که قیمت‌های وارداتی در صورت پرداخت یارانه، کمتر از قیمت‌های جهانی خواهد بود. اما قیمت کالای وارداتی در رابطه شماره ۳ و قیمت کالای صادراتی در رابطه شماره ۴ با قیمت‌های جهانی برابر است. حال با توجه به رابطه‌های شماره ۳ و ۴ می‌توان رابطه مبادله برای کشور مورد نظر را در هر مورد به صورت زیر نوشت:

$$\frac{P^A_X / (1+sm)}{P^A_M} = \frac{P^W_X}{P^W_M} \quad 5$$

$$\frac{P^A_X}{P^A_M} = \frac{P^W_X}{P^W_M(1+SM)} \quad 6$$

به این ترتیب چنانچه فرض کنیم که  $SM = SX = S^*$  است، آنگاه رابطه زیر به سادگی از رابطه‌های شماره ۵ و ۶ به دست می‌آید:

$$\frac{P^A_X}{P^A_M} = \frac{P^W_X(1+s^*)}{P^W_M}$$

این رابطه بیانگر قضیه تقارن لرنر در زمینه یکسان بودن تأثیر یارانه بر صادرات و تعرفه بر واردات است. به عبارت دیگر، هر دو رابطه مبادله را به سود کشور وضع کننده بهبود می‌بخشد. به همین ترتیب می‌توان یکسان بودن تأثیر تعرفه بر واردات و مالیات بر صادرات را نیز نشان داد. نتایج این امر برای روابط تجاری بین‌المللی و اقتصاد کشورها بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، می‌توان گفت که تعرفه بر واردات یا یارانه بر صادرات، گرچه می‌تواند باعث گسترش تولید داخلی یک کالا شود، اما این بدون تردید به قیمت محدود شدن تولید و صادرات سایر کالاها امکان‌پذیر است. بدین ترتیب وضع تعرفه بر واردات کالاهای صنعتی در کشورهای کالاهای کشاورزی و پرداخت یارانه به صادرات توسط کشورهای پیشرفته منجر به محدود شدن صادرات کالاهای صنعتی توسط این کشورها شود.

### یارانه در کشورهای پیشرفته

کشورهای پیشرفته با توجه به توسعه صنعتی و دارا بودن برتری نسبی در صادرات این کالاها، بیشتر سیاست‌های حمایتی خود را متوجه بخش کشاورزی ساخته و تنها در موارد مشخصی این سیاست‌ها را در مورد صنایع نیز اعمال کرده‌اند. سیاست‌های حمایتی در کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بیشتر معطوف به استفاده از یارانه بر صادرات کالاهای کشاورزی بوده است. اولویت دادن به استفاده از سیاست یارانه در این کشورها می‌تواند به دو دلیل باشد:

نخست اینکه پرداخت یارانه بر صادرات که با توجه به سود مصرف کنندگان سایر کشورها

● یارانه باعث کاهش قیمت بین‌المللی به کمتر از قیمت‌های داخلی کشور صادرکننده می‌شود و در نتیجه، رابطه مبادله را به سود کشورهای واردکننده تغییر می‌دهد.

● اعمال یارانه بر صادرات  
توسط کشورهای  
صادرکننده، در واقع  
همانند اعمال تعرفه بر  
واردات توسط کشور  
واردکننده است.

مورد نظر توسط کشور واردکننده، دوم از طریق پرداخت یارانه توسط کشور ثالث به منظور حفظ بازار در کشور واردکننده. اما در مورد دوم حتی اگر کشور واردکننده، اقدام به هیچ گونه عکس‌العملی نکند، پرداخت یارانه برای هر دو کشور صادرکننده نتیجه معکوس خواهد داشت، و این سیاست، عملاً منجر به متضرر شدن هر دو کشور می‌شود و سود کشور واردکننده را به همراه دارد.

### یارانه در کشورهای در حال توسعه

اگرچه پرداخت یارانه از نظر مقررات گات همواره با محدودیتهایی روبرو بوده، اما با توجه به اینکه پرداخت یارانه با موارد مربوط به تأمین بودجه همراه بوده، در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب تأکید بر حذف یارانه صادرات کشاورزی در دور جدید مذاکرات گات (GATT) بیشتر متوجه کشورهای پیشرفته است.

سیاست پرداخت یارانه به صادرات محصولات کشاورزی توسط کشورهای پیشرفته، برای کشورهای در حال توسعه تأثیر دوگانه‌ای به دنبال داشته است. این سیاست اگر چه رابطه مبادله را به سود این کشورها تغییر داده است اما در واقع، رفاه مصرف‌کنندگان را به بهای تأثیر منفی بر تولیدات کشاورزی در این کشورها افزایش داده است. کشورهای در حال توسعه با این استدلال که حذف یارانه‌ها براساس مقررات سازمان جهانی بازرگانی منجر به تفسیر رابطه مبادله به ضرر آنها خواهد شد، با قطع کامل آن موافق نیستند.

اما این استدلال به دو دلیل بویژه در بلندمدت قابل توجه نیست. نخست آنکه اگر چه پرداخت یارانه به سود مصرف‌کنندگان در کشورهای در حال توسعه است اما به طور قطع تولیدکنندگان را در این کشورها تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. بنابراین در بلندمدت وابستگی به این کشورها را به واردات محصولات کشاورزی تشدید می‌کند. دوم آنکه قطع یارانه سبب بهبود

صورت می‌گیرد، کمتر با واکنش منفی و مقابله به‌مثل سایر کشورها روبرو می‌شود و بنابراین با وجود نیاز به تأمین بودجه در پرداخت یارانه، با توجه به توانایی مالی این کشورها، از این سیاست بیشتر استفاده شده است. در حالی که سیاست تعرفه با توجه به تأثیر منفی آن بر رابطه مبادله سایر کشورها همواره مورد پرسش بوده و موجب اعمال سیاست مقابله به‌مثل شده است.

در مرحله دوم استدلال می‌شود که سیاست یارانه دادن به صادرات در واقع کاربرد تئوری «اولویت دوم» بوده و به عنوان عاملی برای خنثی کردن سیاستهای حمایتی بر واردات در این کشورها عمل کرده و در نتیجه به بهبود تخصیص منابع در کنار توسعه کشاورزی کمک کرده است. توضیح آن که براساس تئوری «اولویت دوم» در صورت نقض برخی از شرایط رقابتی، حفظ سایر شرایط لزوماً مطلوب نخواهد بود. به عبارت دیگر وجود شرایط غیررقابتی در صنایع و اعمال سیاست‌های حمایتی در برخی از موارد، تخصیص منابع را از وضع بهینه دور می‌کند و سیاست یارانه که خود نقض سایر شرایط است و می‌تواند به تخصیص بهینه منابع در این کشورها منجر شود.

اما باید دید تا چه اندازه این دلایل قابل توجیه است. نخست باید توجه داشت که کشورهای پیشرفته می‌توانند هدف بهبود تخصیص منابع را با از میان برداشتن سیاست‌های حمایتی بر واردات که مورد نظر سازمان جهانی بازرگانی نیز هست، از ابتدا دنبال کنند. به عبارت دیگر در این صورت نیازی به اعمال سیاست یارانه به‌عنوان یک سیاست خنثی‌کننده نخواهد بود. ثانیاً اگر چه واکنش نسبت به اعمال سیاست یارانه کمتر است اما این به معنی وجود نداشتن آن نیست.

سیاست‌های پرداخت یارانه، تنها در صورتی می‌تواند به افزایش صادرات یک کشور منجر شود که با واکنش سایر کشورها روبرو نشود. در دنیای تجارت، برقراری یارانه توسط یک کشور می‌تواند به دو صورت با واکنش سایر کشورها مواجه شود: نخست با وضع تعرفه بر واردات کالای

تجاری چندجانبه می‌گیرد.

\* شورای عمومی: شورای عمومی یا ارگان دائمی تعیین کننده نمایندگی دولتها معمولاً بر اساس سیاستهای قبلی گات تصمیم‌گیری می‌کند، اما در صورتی که توافق حاصل نشود، تصمیم بر اساس رأی اکثریت خواهد بود (مبنی بر اصل هر دولت يك رأی).

\* ارگان حل اختلاف: ارگان حل اختلاف یکی از بزرگترین دستاوردهای گفتگوهای دوراروگونه است. سازمان جهانی بازرگانی شیوه کاملی برای این منظور فراهم کرده و گروههای متخصصی را برای این منظور به کار گرفته است تا ضمن مطالعه گزارشهای گوناگون، کار مطابقت فعالیتها را با تصمیمهای گرفته شده انجام دهند.

### يك ترکیب جهانی

گات توانست به عنوان يك سازمان جهانی جلوه‌گر شود. در نتیجه کشورهای در حال توسعه، گات را به عنوان سازمانی می‌شناختند که به وسیله کشورهای ثروتمند به وجود آمده و سود آن نیز نصیب آنها می‌شود. البته این طرز تفکر در مورد گات تا ابتدای سال ۱۹۸۰ ادامه داشت و از آن به بعد گات با اتخاذ سیاستهای جدید، توانست کشورهای جهان سوم را نیز به سوی خود جلب کند. در این مدت بسیاری از کشورهای جهان سوم، عملاً در سیستم تجارت بین‌المللی وارد شدند و عملاً زمینه برای تشکیل سازمان جهانی بازرگانی فراهم آمد.

### پیامدهای اقتصادی جهانی شدن

از زمان آدام اسمیت، اقتصاددانان از آثار مثبت تجارت آزاد (libre - echange) بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بوده‌اند. طبق نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر شدن رشد منجر می‌شود.

در يك اقتصاد باز، از آنجا که بنگاهها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند، لذا انگیزه و امکان بیشتری در به کارگیری ابتکارها و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند و

تخصیص منابع در کشورهای پیشرفته می‌شود و قیمت کالاهای صنعتی را که در شمار واردات کشورهای در حال توسعه است کاهش می‌دهد و در نتیجه نه تنها رابطه مبادله در بلندمدت به ضرر کشورهای در حال توسعه تغییر نخواهد کرد، بلکه به نوبه خود به منطقی شدن نحوه تخصیص منابع در این کشورها نیز می‌انجامد.

### ساختار سازمان جهانی بازرگانی

تحولات اخیر در اقتصاد جهانی بسیار متأثر از گفتگوهای است که در نه دور گفتگوهای بین‌المللی مربوط به «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» بر جهان حاکم شده است. در هشتمین دور این گفتگوها که به دور اروگونه مشهور است، موافقتنامه‌های جدیدی در زمینه محصولات کشاورزی، پارچه و پوشاک، خدمات و تأسیس سازمان جهانی بازرگانی تدوین شد.

موافقت در زمینه تشکیل سازمان جهانی بازرگانی، در واقع پذیرفتن تغییر از يك سیستم چندجانبه ادغام شده به يك سیستم کلی و یکپارچه است. در واقع، نتایج تلاشهای زیاد در مورد آزادسازی تجارت ۵۰ سال پس از ایجاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به منصه ظهور رسیده است و تجارت بین‌المللی در پی تشکیل سازمان جهانی بازرگانی جایگاه مناسب خود را یافته است.

گفتگوهای دوراروگونه به تصویب ۲۸ موافقتنامه منجر شد که این ۲۸ موافقتنامه نیز به نوبه خود ۲۰ ارگان را به وجود آورد که متولی امور اداری مربوطه باشد. تمام این ارگانها زیر نظر سازمان جهانی بازرگانی کار می‌کنند و در واقع روابط تجاری بیش از ۱۴۲ کشور را زیر نظر دارند.

ارگانهایی که زیر نظر سازمان جهانی بازرگانی فعالیت دارند عبارتند از:

\* کنفرانس وزرا: این کنفرانس هر دو سال يك بار تشکیل جلسه می‌دهد و ضمن تعیین سیاست کلی سازمان جهانی بازرگانی، تصمیم لازم را در مورد مسائل مربوط به موافقتنامه‌های

● وضع تعرفه بر واردات کالاهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه منجر به کاهش صادرات کالاهای کشاورزی و پرداخت یارانه به صادرات توسط کشورهای پیشرفته منجر به محدود شدن صادرات کالاهای صنعتی توسط این کشورها می‌شود.

منجر می‌شود تأمل و دقت نظر بیشتری داشته باشند.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر آزادی تجارت (libre-echange) و سرمایه‌گذارهای خارجی تا این اندازه در بالا رفتن رشد اقتصادی نقش دارد، چرا بعضی از سیاست‌گذاران در اتخاذ سیاستهایی که به آزادسازی اقتصادی منجر می‌شود، مردد هستند. شاید مهمترین دلیل، نگرانی آنان از امکان افزایش نرخ بیکاری باشد.

سیاستهای (تجارت آزاد) libre-echange، منجر به کوچکتر شدن یا تعطیلی بنگاههایی می‌شود که به امر تولید برای جایگزینی واردات اشتغال دارند. به این ترتیب در این فرایند، نرخ بیکاری افزایش پیدا می‌کند. در عین حال تجارت آزاد، باعث به وجود آمدن بنگاههای تازه‌ای می‌شود که به امر تولید محصولات می‌شود که در آن برتری نسبی دارند، می‌پردازند. به این ترتیب ایجاد این بنگاهها نرخ اشتغال را افزایش خواهد داد. در این صورت بالا رفتن نرخ بیکاری، در صورت تحقق، مقطعی و گذرا خواهد بود.

در ارتباط با تأثیر جهانی شدن بر توزیع

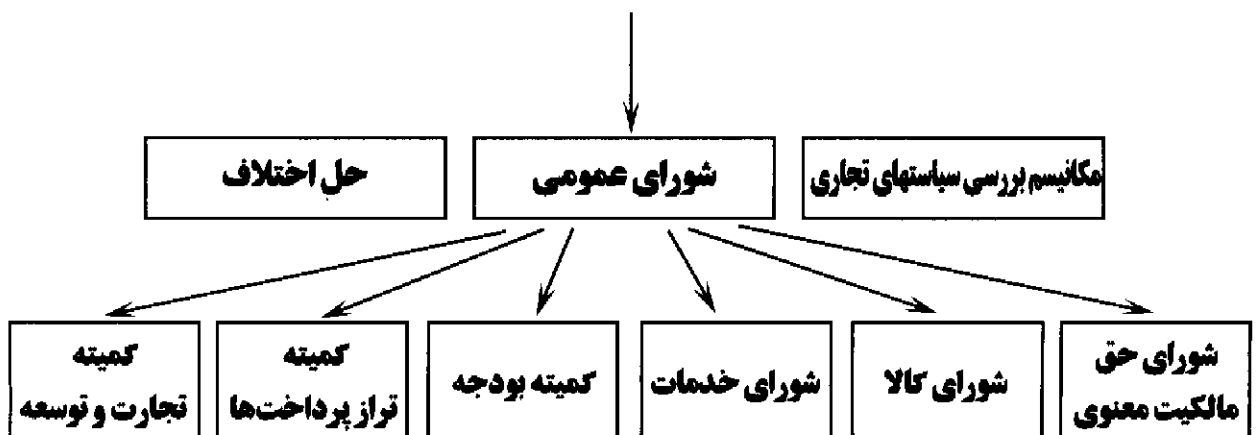
این منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالص داخلی می‌شود. همچنین گشایش تجاری، سبب دست یافتن بنگاههای يك کشور به دانش و فن‌آوری کشورهای دیگر و بهره بردن از آنها به منظور افزایش بهره‌وری تولید می‌شود. از جمله مجراهای مهم چنین امری، سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی است که از آن راه، کشورهای در حال توسعه با روشهای پیشرفته تولید در کشورهای صنعتی آشنا می‌شوند.

با توجه به بحران مالی اخیر در شرق آسیا، شك و ابهام در مورد آثار مثبت ادغام شدن در سیستم بانکی، تجاری و مالی جهان بویژه از راه سرمایه‌گذارهای پرتفوی و استقرار کوتاه‌مدت به وجود آمده است. بسیاری معتقدند که دلیل عمده بحران مالی کشورهای شرق آسیا، ضعف نهادهای مالی و بانکی و نبود نظارت بر عملکرد این مؤسسه‌ها بوده است. شاید مهمترین درسی که کشورهای در حال توسعه از بحران مالی آسیای شرقی می‌توانند بگیرند، این باشد که تا زمانی که پایه‌های سیستمهای مالی، تجاری و بانکی خود را مستحکم نکرده‌اند، در مورد سیاستهایی که به ادغام اقتصادی با بقیه جهان

● موافقت برای تشکیل سازمان جهانی بازرگانی، در واقع پذیرفتن تغییر از يك سیستم چندجانبه‌ادغام شده به يك سیستم یکپارچه است.

## کنفرانس وزرا

(هر دو سال)





می‌شود. در این بین، اندیشه اقتصاددانان سنتی، رایج و نافذ است و قانون بیشتر با هدف آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی از قیدهای موجود طراحی می‌شود، نه با هدف مهار تجارت برای رفاه و آسایش عمومی جهان.

ابداع يك جامعه پایدار از نظر عوامل زیست محیطی، فراتر از حوزه اقتصاد، و اقتصاد صحیح و آینده‌نگر فراتر از يك سلسله قانون برای کاهش محدودیتهای تبادل کالا و پول است.

ایجاد يك جامعه مناسب با مقتضیات قرن بیست و یکم نه تنها اصلاح بنیادی مؤسسه‌های اقتصادی، بلکه تقویت مؤسسه‌های بین‌المللی مربوط به محیط زیست را به عنوان وزنه‌ای برای تعدیل قدرتهای اقتصادی رو به رشد می‌طلبد.

جهانی سازی تجارت، بیشتر به معنای بین‌المللی کردن مسائل زیست محیطی از راه تجارت در منابع طبیعی مانند ماهی و چوب و با سرمایه‌های عظیم خصوصی است که به سرمایه‌گذاران بین‌المللی میدان خوبی می‌دهد تا در اقصی نقاط دنیا سرمایه‌گذاری کنند.

درحالی که کشورهای جهان از مدیریت قوی محیط زیستی دفاع می‌کنند و به مؤسسه‌های اقتصادی مانند سازمان جهانی بازرگانی و صندوق بین‌المللی پول نیز اختیار و قدرت فزاینده و مؤثر می‌بخشند، اما مسائل مهم محیط زیست همچنان به عنوان يك مسأله ثانوی باقی می‌ماند.

همچنان که تجارت جهانی به روند صعودی و مستمر خود ادامه می‌دهد، تأثیر منفی پیش‌بینی نشده‌ای نیز بر سلامت محیط زیست جهان برجای می‌گذارد. اما ساختارهای نوظهور مدیریت جهانی همچون WTO فرصتهایی را اگر چه اندک پدید آورده است تا به واسطه آنها بتوان روند نزولی سلامت محیط زیست را متوقف یا کند کرد.

در مقدمه موافقتنامه WTO حفظ محیط زیست و توسعه پایدار، در اهداف سازمان گنجانیده شده است. در آن همچنین تعهدی مبنی بر تشکیل کمیته تجارت و محیط زیست مطرح

درآمدها، در سطح نظری، نظریه هکشر اوهلین مبین آن است که عوامل تولیدی که از فراوانی نسبی برخوردارند، از آزادی تجارت سود خواهند برد. با توجه به شرایط، این عوامل می‌تواند شامل نیروی کار غیرماهر، نیروی کار ماهر، سرمایه یا منابع طبیعی باشد. در هر يك از این موارد، تبعات جهانی شدن برای توزیع درآمدها مختلف خواهد بود.

آزادسازی تجاری، تنها وقتی موفق خواهد بود که سرمایه‌گذاریهای لازم در بخشهای تولیدی و صادراتی که قدرت رقابت جهانی دارند، انجام گیرد و لازمه چنین سرمایه‌گذاریهایی، ثبات اقتصادی است. نبودن ثبات در اقتصاد کلان، از جمله تورم، تغییرات نرخ ارز و کسری بودجه بالا، با به وجود آوردن بی‌اطمینانی و تضعیف محتوای اطلاعاتی قیمت‌های نسبی که آزادسازی اقتصادی بر آن مبتنی است، بنگاه‌ها را به اتخاذ سیاست انتظار به جای انجام سرمایه‌گذاریهای درازمدت سوق می‌دهد.

اقتصاد جهانی به سمت آزادسازی تجارت پیش می‌رود، از این رولفسو کمال مسوانع غیر تعرفه‌ای تجارت و کاهش تعرفه‌ها در دستور کار قرار دارد. اگر کشوری بخواهد سهم بیشتری در تجارت جهانی کسب کند بایستی اصلاحات اقتصادی و بازرگانی خارجی را متناسب با سمت و سوی تجاری و اقتصاد جهانی به‌اجرا گذارد. در این زمینه کاهش سیاستهای حمایتی، یکی از وظایف اصلی دولت به منظور افزایش سهم اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی است. از آنجا که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی بین کشورهای عضو سازمان جهانی بازرگانی صورت می‌گیرد و نظم‌دهی به تجارت بین‌المللی در قرن آینده نیز توسط همین سازمان صورت می‌گیرد، گروه کشورهای در حال توسعه نیز ناگزیر به انجام اصلاحات هستند تا بتوانند سهم خود را در تجارت دنیا بهبود بخشند.

### تجارت جهانی و محیط زیست

قانون جدید اقتصاد جهانی به طور عمده توسط سازمان جهانی بازرگانی (WTO) تنظیم

● به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، دلیل عمده بحران مالی کشورهای شرق آسیا، ضعف نهادهای مالی و بانکی و نبود نظارت بر عملکرد این مؤسسه‌ها بوده است.

الحاق اصول و قوانین (احتیاطی) پیشگیری در قانون سازمان جهانی بازرگانی، حفظ حقوق مشتریان مبنی بر داشتن اطلاعات از چگونگی بهداشت و سلامت و همچنین تأثیر زیست محیطی کالاهایی که با برجسب ایمنی خریداری می‌کنند، به رسمیت شناختن حقوق خریداران کالاها در آگاهی از چگونگی نحوه تولید آنها با احترام گذاشتن به موافقت‌نامه‌های زیست محیطی چند ملیتی در مواردی که با قانون WTO در معارضه قرار دارد، تضمین حقوق کشورها در استفاده از راهکارهای تجاری جهانی. سازمان جهانی بازرگانی اگر بخواند حمایت جامعه جهانی را به سوی خود جلب کند و به واسطه آن در عرصه باقی بماند، باید به همه این موارد گردن نهد.

### منابع و مأخذ:

#### ● الف - منابع انگلیسی:

1. Balassa, B. and Sherpston, M., **Export Subsidies by Developing Countries**, World Bank, 1997.
2. Brando, A.P. and Will, J. "Implication of Agricultural Trade Liberalization for the Developing Countries", **Agricultural Economics**, 1993.
3. Ethier, W. J., **Modern International Economics**, New York, Notron and Company, 1983.
4. Kenen, Peter, **The International Economy**, Englewood Cliff, Prentice Hall, 1989.
5. Kushi, M., "Developing Countries and the Uruguay Round" **Law and State**, 1993.

#### ● ب - منابع فرانسه:

1. Blanche T. J. et Le Fèvre, PAC, **GATT, OMC**, Edition France Agricole, 1995.
2. Fontanel J., **Organisation économique Internationales** Masson, 1995.
3. Mucchielli J., et Celimene F. "Mondialisation et Regionalisation" **Economica**, 1993.

#### ● ج - منابع فارسی:

۱. قطیری، محمدعلی، «گات و اثرات آزادسازی تجاری کشورهای در حال توسعه و اقتصاد ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.
۲. میرعمادی، طاهره، «ایالات متحده آمریکا و مقررات حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت» اطلاعات سیاسی-اقتصادی شماره ۱۰۷.

شده است که وظیفه آن تجزیه و تحلیل ارتباط بین آزادسازی تجارت و حفظ محیط زیست و همچنین تجویز هر نوع تغییر و تحولی در قوانین WTO به منظور تقابل درست و مؤثر هر دو هدف است.

پس از گذشت چند سال از تشکیل این کمیته، غیر از گفتگو و بحث‌های بسیار، تاکنون اقدام جدی و ملموسی از جانب آن دیده نشده است. بسیاری از افراد حاضر در اجلاس سیاتل (در نوامبر ۲۰۰۰) این سازمان را به خاطر بی‌توجهی به مشکلات محیط زیستی مورد اعتراض قرار دادند. منتقدان بویژه از حالت اسرار آمیز این سازمان که فعالیت‌های خود را مخفی می‌سازد، انتقاد کردند. آنها ادعا می‌کردند که بسیاری از اسناد و مدارک مهم در دسترس عموم قرار ندارد و بیشتر کمیته‌ها و همچنین نشستهای این سازمان پشت درهای بسته تشکیل می‌شود و مهمتر از همه این که در این نشستها و هنگام تصمیم‌گیری، تعداد کارشناسان و متخصصان محیط زیست اندک است.

همچنان که مخالفتها با سازمان جهانی بازرگانی بالا می‌گیرد، بسیاری از دولتها به طور تلویحی اعتراف می‌کنند که اصلاحاتی لازم است تا نظام تجارت جهانی از نظر عوامل زیست محیطی، سالم و بدون اشکال شود. یکی از پیشنهادهایی که مورد حمایت بسیاری قرار گرفته، این است که سازمان جهانی بازرگانی باید تلاش کند یارانه‌های مضر برای محیط زیست را کاهش دهد. در این گزارش شیلات، کشاورزی، انرژی و جنگل‌داری به‌عنوان مواردی اشاره شده که اعمال یارانه بر آنها موجب آسیب رساندن به محیط زیست می‌شود.

برداشتن یارانه‌های مضر برای محیط زیست، گامی رو به جلو محسوب می‌شود، اما به تنهایی نمی‌تواند به دولت‌ها این امکان و اختیار را بدهد تا قانون سازمان جهانی بازرگانی را به سود صلاح‌دیدهای محیط زیستی تغییر دهند. از بین اولویت‌های اصلاحات، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

● اگر کشوری بخواهد سهم بیشتری در تجارت جهانی کسب کند، باید اصلاحات اقتصادی و بازرگانی خارجی را متناسب با سمت و سوی تجاری و اقتصاد جهانی به اجرا گذارد.